

نقدی بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده، با تأکید بر عقلانیت

آینده‌نگاری راهبردی

مسلم شیروانی ناغانی^۱

محمد رحیم عیوضی^۲

چکیده

سرعت بالای تغییرات و افزایش عدم‌اطمینان و پیچیدگی در شرایط محیطی هزاره جدید، موجب پرهیز از برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری با پیش‌فرض خطی بودن تغییر در پارامترهای مختلف و روی آوردن هرچه بیشتر به آینده‌پژوهی در سطوح و حوزه‌های گوناگون شده است. اما مطالعات مربوط به آینده، همواره با چالش‌های معرفت‌شناسی مواجه بوده‌اند. در این پژوهش، ابتدا به نقد نظریه وندل بل در معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی، به‌عنوان یکی از شهرت‌ترین نظریه‌پردازان در این عرصه، پرداخته شده و سپس عقلانیت آینده‌نگاری راهبردی به‌عنوان رویکردی عملگرا در آینده‌پژوهی، مورد واکاوی قرار گرفته است؛ بدین معنا که گزاره‌هایی که با رویکرد آینده‌نگاری راهبردی از مطالعات مربوط به آینده مستخرج می‌شوند، چقدر عقلانی هستند. یافته‌های پژوهش، ضمن احصاء مهم‌ترین ایرادات وارد بر نظریه بل، نشان می‌دهند که «حل مسئله نمودن»، «دقت در پیش‌بینی»، «توازن بین موضوعات»، «سادگی»، «گسترده‌گی» و «سازگاری» در کنار «ارزش‌گرایی» معیارهایی هستند که آینده‌نگاری راهبردی را به‌عنوان رویکردی موجه و معقول معرفی می‌نمایند که می‌تواند به موفقیت دراز مدت مطالعات مربوط به آینده کمک شایانی نماید. بر این اساس، پیشنهاداتی در راستای توسعه و بکارگیری آینده‌نگاری راهبردی به متصدیان امر در دانشگاه‌ها و صنایع و متولیان دولتی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: آینده‌نگاری راهبردی، عقلانیت ارزشی، عقلانیت تجربه‌گرا، عملگرایی، واقع‌گرایی انتقادی.

۱- دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)؛

shirvanimoslem@yahoo.com

۲- استاد گروه آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

مقدمه

تصویرپردازی و تأمل در مورد گزینه‌های ممکن در آینده موجب جلب توجه ویژه به اطلاعات، دیدگاه‌ها و تحولاتی می‌شود که در راستای هم‌سوایی یا مخالفت با این گزینه‌ها بروز می‌کنند. در صورت نپرداختن به چنین گزینه‌هایی، علائم ضعیف و سیگنال‌های نشان‌دهنده این تحولات، به موقع درک نمی‌شوند (Ingvar, 1985, 131).

ماهیت پیچیده پدیده‌ها و چالش‌های در پیش، رویکردهای متفاوت و ابزارهای نوآورانه‌ای را برای برنامه‌ریزی طلب می‌نماید. اگرچه قابلیت‌های مدیریت سنتی هنوز لازم هستند، اما دیگر برای موفقیت در چنین محیط غیر قابل پیش‌بینی‌ای که تغییر، یک امر عادی و نرمال است، کافی نمی‌باشند. از این رو آینده‌نگاری^۱ اخیراً در میان دانشگاهیان و اهالی کسب و کار مورد استقبال قرار گرفته و اکنون بطور نظام‌مندتری در میان سازمان‌ها و دولت‌ها برای پشتیبانی از برنامه‌ریزی‌های بلند مدت مورد استفاده قرار می‌گیرد. می‌توان گفت آینده‌نگاری نظامی است که آینده‌های نامحتمل را می‌کاود و در مورد رسیدن به آنچه می‌تواند مقصد تصمیم‌گیری‌های اکنون باشد (آینده مطلوب)^۲ بحث می‌کند (Silva, 2015, 792).

آینده‌نگاری دارای اهمیت ویژه‌ای در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و مدیریت است. از این رو وثیق بودن گزاره‌ها و توصیه‌هایی که ارائه می‌کند پراهمیت می‌نماید. در این نوشتار برآنیم که ضمن نقد نظریه واقع‌گرایی انتقادی^۳ که بل (Bell, 2005, 191) آن را به‌عنوان مبنای معرفتی مطالعات مربوط به آینده معرفی می‌کند، به بررسی «عقلانیت»^۴ در آینده‌نگاری و برون‌دادهای این نظام پردازیم. از آنجا که در سیر رشد تدریجی آینده‌نگاری، از سال ۱۹۹۵ م.

1. foresight
2. desirable future
3. critical realism
4. rationality

تقدیمی بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۰۹

به بعد پسوند «راهبردی» به این مفهوم اضافه شد و موجبات بلوغ و تکامل آن را فراهم آورد،^۱ پژوهش حاضر، آینده‌نگاری را با لحاظ نمودن این پسوند مورد واکاوی قرار خواهد داد. ابتدا مبانی نظری «آینده‌نگاری راهبردی»^۲ و کلیاتی درباره معرفت‌شناسی^۳ مطالعات مربوط به آینده و مبنا قرار دادن واقع‌گرایی انتقادی برای این مطالعات بیان می‌گردد. در ادامه با ذکر ایرادات وارد بر اعتقاد به «عقلانیت جهانشمول»^۴، به نقد نظر بل پرداخته می‌شود و سپس به توضیحاتی درباره «عقلانیت محدود به زمان و مکان» می‌پردازیم و نهایتاً عملگرا^۵ بودن آینده-نگاری راهبردی و تلفیق عقلانیت تجربه‌گرا و عقلانیت ارزشی در آن بیان می‌گردد.

۱- آینده‌نگاری راهبردی

اصطلاح «آینده‌نگاری راهبردی» از مهمترین رویکردها در مطالعات آینده است که مفهوم کلیدی «راهبرد» را در دل خود جای داده است. متأسفانه اصطلاح «آینده‌نگاری» به کرات بجای آینده‌نگاری راهبردی مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد. این در حالی است که استفاده از اصطلاح آینده‌نگاری در عوض آینده‌پژوهی نیز متداول است.

آینده‌نگاری راهبردی به عنوان یک دورنما،^۶ یک حالت نظام‌مند تفکر و یک مجموعه‌ای از از فعالیت‌ها تعریف می‌شود که بر پایه فهم ویزگی‌ها، توانایی‌ها، الگوهای رفتار و فضا و وضعیت‌ها برای مانور در محیط اجتماعی استوار است. پشت این ادعا که «علوم گوناگون نشان می‌دهند آینده‌نگاری راهبردی مؤلفه‌ای مبنایی برای کمال فرهنگی، اجتماعی و بیولوژیکی است یا حتی مؤلفه‌ای مبنایی برای تمام ابعاد دیگر تکامل انسان»، منطقی اساسی وجود دارد (Gaspar, 2015, 406).

۱. اصطلاح «آینده‌نگاری راهبردی» برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ م توسط «ریچارد اسلاتر» وارد مفاهیم آینده‌پژوهی شد. (Sardar, 2010, 181).

2. strategic foresight
3. epistemology
4. universal rationality
5. pragmatic
6. perspective

اگرچه آینده‌نگاری راهبردی، به غیر از آینده‌پژوهی و مدیریت راهبردی از برخی رشته‌های دیگر نظیر «خط‌مشی و سیاست‌گذاری» و «شبکه‌سازی» نیز مفاهیمی را به عاریه گرفته است (Mullin, 1999; Bourgeois, 2001; Foren, 2001). ولی از منظر اسلاتر^۱ و بسیاری دیگر از اندیشمندان، آنچه پررنگ‌تر به نظر می‌رسد، بکارگیری تلفیقی از آینده‌پژوهی و مدیریت راهبردی تحت نام «آینده‌نگاری راهبردی» می‌باشد که به منظور تصمیم‌سازی هرچه بهتر برای بلندمدت مورد توجه است (ناظمی و قدیری، ۱۳۸۵، ۱۸).

مطالعات مربوط به آینده، به غیر از آینده‌نگاری راهبردی، مفاهیم و رویکردهای دیگری را نیز در بستر خود پرورش داده است که آینده‌شناسی^۲، دورنگری^۳، «آینده‌پژوهی انتقادی»^۴ و «آینده‌نگاری مشارکتی»^۵ از این دستند. آینده‌نگاری راهبردی گرچه دارای وجوه مشترکی با رویکردهای اخیر است ولی برخی ویژگی‌ها، آن را از سایر مفاهیم و رویکردهای موجود در مطالعات مربوط به آینده متمایز می‌نماید. آینده‌نگاری راهبردی بیشتر متکی بر روش‌هایی همچون مدل‌سازی، مدیریت الگو و داده‌کاوی است، در حالی که دیگر رویکردهای یاد شده تکیه بر روش‌هایی مانند دلفی و آنالیز نشانک‌های ضعیف دارند که دارای روایی کمتر و دقت کمتر در پیش‌بینی هستند. آینده‌نگاری راهبردی تأکید زیادی بر حل نمودن مسائل و حصول نتیجه دارد، در حالی که دیگر رویکردهای یاد شده بیشتر از آنکه نتیجه محور باشند، فرایند محور هستند و تأکید اصلی آنها بر مشارکت حداکثری ذی‌نفعان در مراحل مختلف مطالعات مربوط به آینده است. قلمرو زمانی در تحقیقاتی که با رویکرد آینده‌نگاری راهبردی انجام می‌شوند معمولاً به بازه‌ای ۵ تا ۲۰ ساله در آینده برمی‌گردد، در حالی که دیگر رویکردهای یاد شده معمولاً آینده‌های فراتر از ۲۰ سال را مورد مطالعه قرار می‌دهند. رویکردهایی مانند آینده-

1. Slaughter

1. Futurology

2. Prospective

4. Critical Futures Study

4. participatory Foresight

تقدیر بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۱۱

شناسی و آینده‌پژوهی انتقادی در مطالعات مربوط به آینده، نتایج حاصل از تحقیقات خود را به ابتدای ارزش‌ها مستدل می‌کنند و با رویکردی فرافعالانه بیشتر بر ساخت آینده‌ای مطلوب تأکید دارند تا پیش‌نگری درباره آن ولی آینده‌نگاری راهبردی از لحاظ فلسفی با علوم کلاسیک سازگارتر است و از روش‌ها و تکنیک‌هایی در راستای پیش‌نگری آینده استفاده می‌کند که مبتنی بر تجربه‌گرایی هستند.

۲- نظریه واقع‌گرایی انتقادی و معرفت‌شناسی مطالعات آینده

حتی کسانی که به پژوهش در مورد آینده اعتقادی ندارند و آن را امری محال می‌پندارند، هنگام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، بطور ناخودآگاه پیش‌فرض‌هایی در مورد آینده را در سر می‌پرورانند؛ ضمن اینکه درست بودن این پیش‌فرض‌ها مهم است. خود این پیش‌فرض‌ها بر ساخت آینده بسیار مؤثر هستند و به قول بل (Bell, 2005, 215) هم الگویی از واقعیتند و هم جزیی از واقعیت حال هستند؛ مثلاً وجود این پیش‌فرض در اذهان مردم که سال آینده با افزایش تورم روبرو خواهیم بود، به وقوع آن کمک می‌کند. در جهتی کاملاً مخالف، پیش‌فرض کمبود آب در سال آینده، می‌تواند تا حدی از وقوع این مشکل جلوگیری کند.

آینده‌پژوهان گزاره‌هایی درباره آینده‌های بدیل ارائه می‌کنند. آنها توصیه‌هایی برای رویارویی با آینده و یا ساخت آن دارند. گزاره‌ها و پیشنهادات آنها چقدر عقلانی^۱ است؟ ما امروزه با گزاره‌هایی درباره آینده روبرو هستیم که نمی‌توان برای صدق^۲ آنها توجیهی قطعی آورد و از طرفی نمی‌توان بی‌تفاوت از کنارشان گذشت. چون قبول یا رد آنها تأثیری شگفت در تصمیمات و آینده ما خواهد داشت. بل (Ibid, 221-238) ضمن اذعان به الهام گرفتن از ابطال‌گرایی پوپر (Popper, 1969) واقع‌گرایی انتقادی را مبنای معرفتی گزاره‌های مربوط به آینده معرفی می‌کند. واقع‌گرایی انتقادی تحصیل معرفت، البته «معرفت حدسی»^۳ و نه «معرفت

1. rational

2. truth

3. conjectural knowledge

۱۱۲ «و فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی» شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶

قطعی^۱ را امکان‌پذیر می‌داند. از آنجا که هم «باور موجه»^۲ به گزاره‌های مربوط به گذشته و حال و هم باور موجه به گزاره‌های مربوط به آینده، هر دو معرفت حدسی نامیده می‌شوند، بل از اصطلاح «معرفت جانشین»^۳ برای اشاره به دسته دوم بهره می‌گیرد؛ چرا که معتقد است در تلاش برای شکل دادن به گزاره‌های مربوط به آینده، در مقایسه با گزاره‌های مربوط به گذشته و حال، بیشتر با عوامل تهدیدکننده اعتبار روبرو می‌شویم و احتمالاً با عدم قطعیت بالاتری نیز مواجه خواهیم بود. او می‌افزاید که استفاده از اصطلاح «معرفت جانشین» برای اشاره به گزاره‌های مربوط به آینده، به یادآوری این نکته کمک می‌کند که آینده با گذشته تفاوت دارد و هنوز رخ نداده است. قبل از نقد نظر بل، به نقد اجمالی اثبات‌گرایی^۴ و ابطال‌گرایی می‌پردازیم که وجه اشتراک آنها اعتقاد به نوعی «عقلانیت جهانشمول» است.

۳- عقلانیت جهانشمول و واقع‌گرایی انتقادی بل

هم اثبات‌گرایان و هم ابطال‌گرایان معتقدند که معیاری واحد، ابدی و کلی وجود دارد که با آن می‌توان گزاره‌های رقیب را ارزیابی نمود و علم را از غیر علم تمیز داد. از این رو هر دو گروه، قائل به نوعی عقلانیت جهانشمول می‌باشند. معیار اثبات‌گرایان معمولاً تأیید استقرایی گزاره‌ها است و ابطال‌گرایان میزان ابطال‌پذیری گزاره‌های ابطال‌ناشده را معیار قرار می‌دهند. در نقد مبنا قرار دادن استقراء در اثبات‌گرایی به موارد ذیل اشاره می‌شود.

الف) چگونه می‌توان اصل استقراء را توجیه کرد؟ استقراگرایان یا باید به منطق^۵ متوسل شوند یا اینکه با تکیه بر تجربه بکوشند این اصل را توجیه کنند. در براهین منطقی اگر مقدمه برهان صادق باشد، آنگاه نتیجه باید صادق باشد. اما استنباطات استقرایی این خصیصه را ندارند؛ چرا که امکان دارد نتیجه برهانی استقرایی کاذب باشد ولی مقدمات آن صادق باشند. دیدن

1. categorical knowledge

2. justified belief

3. Surrogate knowledge

4. positivism

5. logic

تقدیر بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۱۳

تعداد زیادی کلاغ سیاه به ما هیچ ضمانت منطقی نمی‌دهد که کلاغ بعدی که مشاهده می‌کنیم سیاه باشد. توجیه استقراء از طریق تجربه نیز متضمن یک دور است؛ زیرا خود متوسل به همان استدلال استقرایی می‌شود که اعتبار آن نیاز به توجیه دارد. ب) استقراگرایان مشاهده را اساس وثیقی برای دستیابی به معرفت فرض می‌کنند؛ حال آنکه مشاهدات، متأثر از «ذهن گرانبار از تئوری»^۱ هستند و خطاپذیر می‌باشند. ج) شروطی مانند «زیاد بودن مشاهدات» و «تکرار شدن مشاهدات تحت شرایط متنوع» که اساس تعمیم را تشکیل می‌دهند، سرشار از ابهام هستند. چه تعداد از مشاهده، زیاد محسوب می‌شود؟ تنوع شرایط در چه حدی لازم است؟ بر ابطال‌گرایی نیز نقدهای گوناگونی وارد شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) توسل جستن به مشاهده و تجربه برای آزمون نظریات و ابطال آنها؛ در حالی که پیشتر گفته شد که مشاهدات، متأثر از «ذهن گرانبار از تئوری» هستند و خطاپذیر می‌باشند. ب) هیچ دانشمند و پژوهشگری به دنبال ابطال گزاره‌های علمی خود نمی‌رود. ج) تاریخ علم نشان می‌دهد که بسیاری از نظریات با یک مورد نقض ابطال نشدند.

اینک مبنای معرفتی بل (Ibid) برای گزاره‌های مربوط به آینده را مورد واکاوی قرار می‌دهیم. علاوه بر ایرادات وارد بر ابطال‌گرایی که بل نظریه خود را وامدار آن می‌داند، نقدهای دیگری نیز بر این نظریه وارد است. گزاره‌های مربوط به آینده را نمی‌توان از طریق تجربه ابطال نمود و معمولاً برای آزمون تجربی آنها می‌بایست سال‌ها صبر کرد (Ibid, 231). «سازگاری با شواهد گذشته و حال»، «سازگاری با دیگر پیش‌بینی‌های احتمالاً درست» و «سازگاری با قواعد منطقی» را آزمون‌های مناسبی برای ابطال معرفت‌های جانشین و توجیه آنها می‌داند. معرفت جانشین، زمانی با قواعد منطقی سازگار است که از یکسری گزاره موجه مقدماتی به گزاره‌ای موجه درباره آینده رسیده باشیم. اما خود این گزاره‌های مقدماتی از کجا موجه شده-

1. theory laden mind

۱۱۴ دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی / شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶

اند؟ اگر سازگاری با دیگر پیش‌بینی‌های احتمالاً درست، شرط موجه بودن معرفت‌جانشین است، خود این پیش‌بینی‌ها از کجا موجه شده‌اند؟ و اگر سازگاری با شواهد گذشته و حال را مبنای توجیه معرفت‌جانشین بدانیم، به نوعی گرفتار مسئله استقراء شده‌ایم. بنابراین واقع‌گرایی انتقادی در توجیه گزاره‌های مربوط به آینده با مشکلاتی روبرو است و استفاده از اصطلاح معرفت‌جانشین در عوض معرفت‌حدسی، به نوعی بیانگر اعتراف بل به این مشکلات است.

۴- عقلانیت درون پارادایمی

امروزه فشار وارد بر رشته‌های مختلف از این لحاظ که علمی هستند یا نه، با افزایش تردید در مورد توانایی علم برای تأمین رفاه مردم کاهش یافته است. امیدهای روشن به پیشرفت بشریت که زمانی به علم بسته شده بود، هم‌اکنون خوش‌بینی بچه‌گانه‌ای به نظر می‌رسد. در حال حاضر، آسان‌تر می‌توان به بازبینی پیش‌فرض‌های جهان‌بینی علمی پرداخت (Trig, 1934, 13)

نظر کواین اقتضا می‌کند که «جهان»، «واقعیت» و کل چنین مفاهیمی نظری باشند و اینکه نظریه‌ها را نمی‌توان صرفاً به‌مثابه تلاش‌هایی برای توصیف جهانی درک کرد که مستقلاً وجود دارد. به جای آنکه نظریه‌ها جهان را کم و بیش درست بنمایند، جهان بازتاب نظریه می‌شود. کوهن که بیشتر از کواین به تجربه‌گرایی می‌تازد، معتقد است این واقعیت که گروه اجتماعی خاصی می‌تواند یک راه حل را برای مسئله‌ای بپذیرد ولی نه راه حل دیگری، یا می‌تواند یک برهان را دلیل موجه بدانند ولی نه برهان دیگری، نیاز به تحلیل جامعه‌شناختی را نشان می‌دهد. فیرابند^۱ پا را فراتر می‌نهد و می‌گوید: خود کار علمی را و حتی خود عمل تعقل را می‌توان سنت‌های تاریخی نامید (Ibid, 27, 34, 35).

با این تفاسیل، چگونه می‌توان عقلانی بودن گزاره‌های مستخرج از علوم مختلف را توجیه کرد؟ و البته این پرسش در خصوص توجیه گزاره‌های مربوط به آینده بسیار پررنگ‌تر می‌-

1. Feyerabend

تقدیر بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۱۵

نماید. کوهن (Kuhn, 1970, 154) معیارهای چندی برمی‌شمارد که می‌توان از آنها در ارزیابی رجحان یک گزاره بر گزاره رقیب استفاده کرد. این معیارها، کلی و جهانشمول نیستند و ارزش‌های «جامعه علمی»^۱ را تشکیل می‌دهند. بنابراین عقلانی بودن یا نبودن گزاره‌ها محدود به زمان و مکان می‌شود و می‌توان آن را عقلانیت درون پارادایمی خواند. در اینجا منظور از عقلانیت درون پارادایمی، عقلانی بودن خود یک پارادایم - نظریه نیست، بلکه عقلانی بودن گزاره‌های درون آن پارادایم براساس یکسری از معیارها که مورد قبول آن جامعه علمی هستند و مقبولیت درون پارادایمی دارند مدنظر است. مطالعات مربوط به آینده با سبک و سیاقی روشمند از ۱۹۴۰ م. جایگزین پیش‌گویی‌های خرافه‌گونه درمورد آینده شده‌اند و همانطور که کئوسا (Kuosa, 2011) بیان می‌دارد نوعی پارادایم جدید علمی را بوجود آورده‌اند. لذا برای توجیه گزاره‌های مستخرج از مطالعات مربوط به آینده، ابتدا یکسری معیار براساس نظر کوهن برای درون پارادایم معرفی شده و سپس بیان شده است که در میان رویکردهای مختلف موجود در پارادایم مذکور، آینده‌نگاری راهبردی و گزاره‌های مستخرج از این رویکرد، بیشترین تطابق را با معیارهای مورد نظر دارند. حتی اگر در مورد گزاره‌های مستخرج از علوم کلاسیک مطابق نظر اثبات‌گرایان یا ابطال‌گرایان قائل به نوعی عقلانیت جهانشمول باشیم، از آنجا که گزاره‌های حاصل از مطالعات مربوط به آینده، برخلاف تبیین یا پیش‌بینی در علوم کلاسیک، به صورت یک گزاره کلی با سور عمومی ارائه نمی‌شوند و نیز مربوط به زمان خاصی در آینده هستند نه هر زمانی، نمی‌توان این گزاره‌ها را بر مبنای معیاری کلی و جهانشمول موجه نمود. از همین رو است که بسیاری آینده‌پژوهی و مطالعات مربوط به آینده را بیشتر از آنکه یک علم بدانند یک هنر می‌دانند. این پژوهش سعی دارد که گزاره‌های مستخرج از مطالعات آینده را براساس منطق و معیارهای درون پارادایمی جامعه علمی آینده‌پژوهی توجیه کند. معیارهایی که کوهن معرفی نموده می‌توانند به عنوان یک مبنای جامعه علمی

آینده‌پژوهی معرفی شوند. آینده‌نگاری راهبردی با توجه به ویژگی‌هایی که دارد نسبت به دیگر رویکردهای موجود در مطالعات آینده می‌تواند گزاره‌هایی را ارائه کند که بیشترین تطابق را با معیارهای مورد نظر داشته باشند. در ادامه به ترتیب اهمیت، به ذکر این معیارها پرداخته می‌شود: الف) تعداد مسائل مختلف حل شده: مهم‌تر از اینکه پژوهش‌های مربوط به آینده از چه روش‌هایی استفاده می‌کنند یا اینکه مبانی معرفتی این روش‌ها چقدر قادر به توجیه گزاره‌های به‌دست آمده می‌باشند، این است که پژوهش‌ها موفقیت خود را در حل مسائل نشان دهند. گذر زمان نشان داده است که آینده‌نگاری راهبردی، بخصوص در حوزه علم و فناوری، موفق‌تر از دیگر رویکردهای آینده‌پژوهی بوده است و بهتر حل مسئله نموده است (Calof, Tanguay, Spring, 2006). راییدی (Riedy, 2009, 44) دلیل این موفقیت را تقویت موفقیت و «مزیت رقابتی»^۱، بدون به چالش کشیدن دیدگاه‌ها و فروض زیر بنایی می‌داند. مطالعات کئوسا (Kuosa, 2011, 333) نیز تداوم مدیریت راهبردی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی آینده‌نگاری راهبردی و سقوط «آینده‌پژوهی فرافعال»^۲ را در سال‌های اخیر تأیید می‌کند.^۳ همچنین وی (Ibid, 13) نشان می‌دهد آینده‌نگاری راهبردی برخلاف رویکردهایی چون آینده‌نگاری مشارکتی، به دنبال تصمیم‌گیری بهتر و حل مسئله است نه مشارکت حداکثری ذی‌نفعان؛ چراکه در صورت تصمیم‌گیری نادرست و شکست برنامه‌ها، مسئولیت پاسخگویی نه بر عهده ذی‌نفعان بلکه بر عهده مدیران ارشد اثرگذار است.

ب) دقت پیش‌بینی: آینده‌نگاری راهبردی در مقایسه با آینده‌پژوهی در معنای خاص و متداول آن، به بازه‌های کوتاه مدت‌تری از آینده می‌پردازد (Ibid, 21) که دقت بیشتر در پیش‌بینی‌ها را موجب می‌گردد.

1. competitive Advantage

2. proactive futures studies

۳.. آینده‌پژوهی فرافعال ریشه در «آینده‌شناسی» دارد و به مقولاتی نظیر بحث‌های اخلاقی، چالش‌های برگزیده آینده، عقلانیت ارزشی و کنترل تصاویر دلخواه می‌پردازد (Ibid, 333)

تقدیر بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۱۷

ج) توازن بین موضوعات: مفهوم «سبک و سنگین کردن»^۱ یکی از اساسی‌ترین مفاهیم مدیریت راهبردی است (Shimizu, 2012, 214). به تبع آن در آینده‌نگاری راهبردی نیز وجود این مفهوم به برقراری توازن بین موضوعات کمک می‌نماید.

د) سادگی، گستردگی و سازگاری با حوزه‌های دیگر: آینده‌نگاری راهبردی هم در مبانی نظری و هم در پیاده‌سازی، ساده‌تر از رویکردهای کاملاً کیفی و عمیق در آینده‌پژوهی است، در تمام سطوح از فرد گرفته تا شرکت‌ها و کشورها قابل استفاده است، با بسیاری از دیگر حوزه‌های دانش سازگار است و از آنها ورودی می‌گیرد و به آنها ورودی می‌دهد، در حالی که نسبت به رویکردهای دیگر آینده‌پژوهی، کمتر با مبانی معرفتی آنها در تقابل است. چالمرز پس از مرور و تحلیل نظرات اندیشمندان مختلف در سیر تطور فلسفه علم می‌گوید:

فلاسفه منابع و امکاناتی ندارند تا به‌مدد آنها بتوانند موازینی وضع کنند که تطابق با آنها شاخه‌ای از معرفت را مقبول یا علمی کند. ما به مقوله‌ای کلی به نام علم احتیاج نداریم که نسبت به آن، حوزه‌ای از معرفت به‌منزله علم تمجید شود و یا حوزه‌ای دیگر به‌منزله غیر علم تحقیر شود. مقوله کلی به نام علم و مفهومی به نام حقیقت یا صدق که علم را کاوشی برای حقیقت توصیف کند وجود ندارد. هر شاخه‌ای از معرفت باید براساس قابلیت‌های خاص خود با تفحص پیرامون اهداف و میزان توفیقاتش در نیل به آن اهداف مورد ارزیابی قرار گیرد. به‌علاوه، قضاوت درباره اهداف، خود به نسبت وضعیت اجتماعی صورت خواهد گرفت. امکان دارد طبقه ممتازی از یک جامعه مرفه اهداف شعبه غامضی از منطق ریاضی یا فلسفه تحلیلی را براساس لذت زیبایی‌شناختی که به عاملان و شاغلان خود می‌بخشد، ارزش بدانند و ارج فراوان نهد، در صورتی که طبقه ستمدیده‌ای از یک کشور جهان‌سومی برای همین مجموعه، کمترین ارزش را قائل می‌شود. در

۱۱۸ «دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی» شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶

جامعه‌ای که مسائل بسیار حاد اجتماعی، افزایش استیلای تکنولوژیکی را ضروری می‌سازد، هدف استیلای تکنولوژیکی ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای خواهد داشت و این اهمیت و ارزش در جامعه‌ای که حادترین مسائل اجتماعی، به واسطه پیشرفت‌های بیش از حد در کنترل و استیلای تکنولوژیکی، به‌جای کاهش، رو به وخامت می‌نهند، باید کمتر باشد (چالمرز، ۱۳۹۴، ۱۹۵ و ۱۹۶).

امروزه گرایش آینده‌پژوهان غربی به تثبیت امنیت محیطی، حفاظت از محیط زیست، تمدن‌سازی و توجه به نسل‌های آینده است؛ چراکه پیروز رقابت تکنولوژیکی و اقتصادی در عرصه جهانی آنها هستند و از این بابت نگرانی چندانی ندارند. تمایل به «آینده‌پژوهی فرا فعال» در دهه‌های اخیر، همچنان که کئوسا (Kuosa, 2011, 333) نشان می‌دهد نیز از همین رو بوده است. گوده و دورنس (Godet & Durance, 2011, 191) در انتهای کتاب خود، آینده‌پژوهان بعدی را به موضوع «حضور جوانان مهاجر در اروپا» فرامی‌خوانند.^۱ اسلاتر (Slaughter, 2002, 362, 354) توصیه می‌کند که آینده‌پژوهی بیشتر از اینکه در کسب و کار مورد استفاده قرار گیرد، با نگرانی و ملاحظه واقعی برای رفاه بلندمدت انسان بکوشد و در پی منافع انسان در آینده باشد. او وظیفه مرکزی جامعه آینده‌پژوهی را جلب توجه فردی و جمعی به سمت چشم‌اندازسازی طراحی بنیان‌های ساختاری سطح بعدی تمدن بشری می‌داند. پورعزت (Pourezzat, 2008, 889) معتقد است تصاویری از «آینده مطلوب» که غربی‌ها ارائه می‌کنند به‌گونه‌ای است که در تمامی آنها گروه برنده خودشان خواهند بود. لذا آینده‌پژوهی در ایران می‌بایست اهداف و رویکردهایی متناسب با جامعه ایرانی و نیازهایش برگزیند. امروزه دغدغه اصلی جامعه ما اقتصاد است و از متناسب‌ترین رویکردها در میان مفاهیم آینده‌پژوهی برای حصول اهداف جامعه در این راستا، آینده‌نگاری راهبردی است.

۱. موضوعی که اهمیت و تأثیر خود در امنیت غرب را درست چند سال بعد در بعب‌گذاری‌های پاریس نشان داد.

تقدیر بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۱۹

مسئله اصلی اقتصاد، کمیابی منابع و عوامل تولید و نامحدود بودن نیازهای بشر است (Robbins, 1984, 16). این مسئله موجب ایجاد رقابت میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و کشورهای مختلف می‌گردد. آینده‌نگاری راهبردی از آنجا که مفهوم «راهبرد» را در دل خود دارد، به شناسایی و ایجاد مزیت رقابتی و بردن رقابت کمک می‌کند. جالب است که ایده اصلی «نیروهای پنج‌گانه پورتر»^۱ (Porter, 1980) نیز که به‌عنوان مشهورترین و کارآمدترین ساختار تجزیه و تحلیل صنعت در آینده‌نگاری راهبردی کاربرد فراوانی دارد، از نمودار مشهور عرضه و تقاضا در اقتصاد گرفته شده است.

۵- آینده‌نگاری راهبردی و عملگرایی

با رکود آینده‌پژوهی در دهه هشتاد میلادی برخی آینده‌پژوهان همچون مایکل^۲ (۹۵، ۱۹۸۵) معتقد بودند که علت این افول، عدم غلبه بر «موقعیت بی‌مبنایی»^۳ است؛ مشکلی که در اصل، ماهیتی معرفت‌شناختی دارد. آنها پیشرفت بیشتر آینده‌پژوهی را در سایه شناخت بنیان‌های فلسفی آن امکان‌پذیر می‌دانستند (Bell, 2005, 165) لیکن تحقیقات نشان می‌دهند که مشکل اصلی آینده‌پژوهی، عدم توفیق آن در عمل بوده است (Rejeski & Olson, 2006; Stevenson, 2001; Glenn, 2001; Kapoor, 2001) و گرنه مبانی معرفت‌شناسی فیزیک هم که پایه در استقرارگرایی و تجربه‌گرایی دارد، با ضعف‌های عدیده‌ای مواجه است. مقبولیت امروزی فیزیک نه به‌دلیل مبانی فلسفی قوی و موجه بودن صدق گزاره‌های آن، بلکه به‌دلیل موفقیت آن در عمل است؛ بدین معنا که تبیین^۴ ها و پیش‌بینی‌های درست و دقیقی ارائه می‌دهد.

1. Porter five forces

2. Michael

3. footless status

4. explanation

۱۲۰ «فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی» شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶

دانشمندان متعلق به یک «جامعه علمی» گاهی بهتر است به جای درگیر شدن در مجادلات مربوط به مجاز و مستحسن بودن مفروضات بنیادی و روش‌های خود، انرژی خویش را صرف حلّ معماهای جزئی کنند که درون پارادایم مزبور برای آنها طرح شده است و تلاش برای افزایش سازگاری هرچه دقیق‌تر بین پارادایم و طبیعت را انجام دهند. اگر تمام دانشمندان نسبت به کلیه اجزاء چارچوبی که در آن کار می‌کنند همواره حالتی نقادانه داشته باشند، هرگز هیچ کار تفصیلی انجام نخواهد گرفت (چالمرز، ۱۳۹۴، ۱۱۹). یادمان باشد که هیچ فیزیکدانی به «مسئله استقراء» پاسخ نداده است، ولی فیزیک از آنجا که در عمل، حل مسئله می‌کند، مقبولیت دارد و نماد علم محسوب می‌گردد؛ آینده‌پژوهی نیز ملزم به اتخاذ چنین رویکردی است. آینده‌پژوهی برای عملگرا بودن، ملزم به رعایت نوعی «عقلانیت درون پارادایمی (عقلانیت محدود به زمان و مکان)» است که بر پایه «ارزش‌های جامعه علمی» از قبیل «حلّ مسئله نمودن»، «دقت در پیش‌بینی»، «توازن بین موضوعات»، «سادگی»، «گسترده‌گی» و «سازگاری» شکل می‌گیرد. البته موفقیت تمام و کمال آینده‌پژوهی در درازمدت، ملحوظ نمودن «وضعیت اجتماعی» یعنی «نیازها، اهداف و ارزش‌های جامعه» را نیز می‌طلبد. همه اینها، با عنایت به توضیحات پیش‌تر گفته شده، ما را در میان مفاهیم و رویکردهای متعدد آینده-پژوهی به سوی آینده‌نگاری راهبردی رهنمون می‌سازد.

نکته حائز اهمیت اینکه موفقیت آینده‌نگاری راهبردی در عمل، به معنای علمی بودن و یا حامل صدق بودن گزاره‌ها و توصیه‌های آن نیست؛ همچنانکه هیأت کپرنیکی^۱ و حتی بطلمیوسی^۲ نیز در عمل موفق بودند و پیش‌بینی‌های دقیقی ارائه می‌نمودند ولی بعدها محرز گشت که صادق و مطابق واقعیت نبوده‌اند.

1. Copernicus

2. Ptolemy

تقدیر بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۲۱

۶- تلفیق عقلانیت تجربه‌گرا و عقلانیت ارزشی در آینده‌نگاری راهبردی

می‌توان فعالیت‌های آینده‌پژوهی را به دو دسته تقسیم نمود: «پژوهش آینده‌ها»^۱ که معیار علوم کلاسیک را می‌پذیرد و آینده‌پژوهی (در معنای خاص آن) که بیشتر فرهنگ‌بنیاد است. پژوهش آینده‌ها، بر روی استحکام یکپارچه فرایند پیش‌نگری^۲ در حوزه‌های مختلف کار می‌کند و آینده‌پژوهی بیشتر در پی ساختن آینده است تا پیش‌نگری در مورد آن و می‌توان گفت آینده‌پژوهی با در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی، نقشی شکل‌دهنده به آینده دارد (Hideg, 2002, 284). آینده‌نگاری راهبردی، رویکردی بین این دو دسته را برمی‌گزیند.

گوده (Godet, 1994) رسیدن به راهبرد از طریق آینده‌نگاری را حاصل پیوند پیش‌نگری و اقدام^۳ می‌داند. بنابراین این فرآیند دربرگیرنده دو فعالیت می‌باشد:

الف - زمانی برای پیش‌نگری، که دربرگیرنده مطالعه تغییرات دلخواه و امکان‌پذیر آینده است.

ب - زمانی برای تمهید اقدامات که دربرگیرنده تحلیل و ارزیابی گزینه‌های راهبردی ممکن به صورتی است که برای تغییرات مهم و محتمل آینده مهیا شده^۴ و تغییرات دلخواه را در آینده ایجاد نماییم.^۵

آینده‌نگاری راهبردی یا گزاره‌هایی ارائه می‌کند که به پیش‌بینی^۶ «آینده‌های ممکن و محتمل»^۷ می‌پردازند و یا توصیه‌هایی برای اقدامات آتی دارد. آینده‌نگاری راهبردی در مقام توجیه گزاره‌های مربوط به آینده و نه در مقام رسیدن به آنها، معمولاً پایه در «عقلانیت تجربی» دارد؛ چرا که رسیدن به گزاره‌های مذکور با تصویرپردازی هم میسر است. توصیه‌های آینده-

1. futures research
2. anticipation
3. action
4. pre-activity
5. pro-activity

۶. مقصود پیش‌بینی خطی و مُتَقَن نمی‌باشد.

7. Possible & Probable futures

۱۲۲ «دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی» شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶

نگاری راهبردی اگر «پیش‌فعالانه» باشند، براساس گزاره‌های مربوط به آینده‌های ممکن و محتمل که بر مبنای عقلانیت تجربی موجه شده‌اند، توجیه می‌گردند. توصیه‌های «فرافعالانه» آینده‌نگاری راهبردی پایه در «عقلانیت ارزشی» دارند و براساس ارزش‌های جامعه توجیه می‌گردند.^۱ کئوسا (Kuosa, 2012, 13) به‌خوبی آینده‌نگاری راهبردی را بین دو سطح تجربی و عقلانی-ارزشی توصیف می‌کند.

۶-۱- تجربه‌گرایی در آینده‌نگاری راهبردی

بسیاری از روش‌ها و مراحل آینده‌نگاری راهبردی، نظیر برون‌یابی روند، خاستگاه معرفتی استقراء گرایانه و تجربی دارند. البته پیش‌بینی‌های مربوط به آینده، برخلاف تبیین یا پیش‌بینی در علوم کلاسیک، به‌صورت یک گزاره کلی با سور عمومی ارائه نمی‌شوند و نیز مربوط به زمان خاصی در آینده هستند. ولی با این حال در هر دو مورد، برای توجیه گزاره‌ها بر تجربه و استقراء تکیه می‌شود. عقلانیت تجربه‌گرا در آینده‌نگاری راهبردی با مبانی معرفتی علوم کلاسیک سازگار است و این سازگاری همانگونه که پیش‌تر بیان شد می‌تواند از معیارهای «عقلانیت درون‌پارادایمی» محسوب گردد.

۶-۲- مبنای عقلانی-ارزشی در آینده‌نگاری راهبردی

پیش از این اشاره شد که آینده‌پژوهی علاوه بر «عقلانیت درون‌پارادایمی» و «عملگرایی» می‌بایست متوجه ارزش‌های جامعه نیز باشد. صرف موفقیت در ارائه پیش‌بینی‌های نسبتاً دقیق، نمی‌تواند به‌معنای توفیق تمام و کمال آینده‌پژوهی باشد؛ همچنانکه بسیاری از توفیقات کوتاه-بینانه علوم کلاسیک، به رفاه و سعادت بشریت کمکی ننموده است. مالاسکا^۲ (۲۰۰۳) عدم

۱. مقصود از پیش‌فعال بودن (pre-activity)، تدوین برنامه‌ها و راهبردهای آینده‌نگر است که براساس پیش‌بینی آینده‌های بدیل، برای رویارویی با آنها طراحی میشوند. فرافعال بودن (pro-activity) به‌معنای تدوین برنامه‌ها و راهبردهای آینده‌ساز می‌باشد که به‌جای طراحی برای رویارویی با آینده، در پی طراحی و ساخت آینده هستند (Ackoff, 1981, 163)؛ غفاریان و کیانی، ۱۳۹۲: ۱۱۲.

تقدیر بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۲۳

اتخاذ سیاست بی‌طرفانه نسبت به «ارزش‌ها» را جنبه‌ای از آینده‌پژوهی می‌داند که آن را از دیگر علوم متداول، متمایز می‌سازد و به‌سوی معرفت‌شناسی‌ای می‌برد که آینده‌پژوهی را از اصول و متدولوژی همه علوم متداول مجزا می‌سازد (Kuosa, 2012, 14).

اگرچه مالاسکا می‌افزاید که ارزش‌ها می‌توانند به‌طور عقلانی مورد بحث و مطالعه قرار گیرند ولی «عقلانیت مبتنی بر ارزش»، در هر حال موجب نسبی‌گرایی شدیدی می‌شود؛ چراکه ارزش‌های جوامع مختلف بشری یا لاقابل‌اولویت‌بندی ارزش‌ها در جوامع مختلف بشری متفاوت است. تمایل بیش از حد آینده‌پژوهی به عقلانیت ارزشی در سه دهه اخیر که در قالب «آینده‌پژوهی فرافعال» خود را نشان داده است، همانطور که کئوسا (Kuosa, 2011, 333) بیان می‌کند با شکست و افول همراه بوده است.

در این میان آینده‌نگاری راهبردی با نگاهی معتدل‌تر، ضمن عدم اغماض نسبت به ارزش-های جامعه، از تکیه بیش از حد بر عقلانیت ارزشی پرهیز نموده و همانطور که پیش‌تر عنوان شد، جایگاهی میان سطح تجربی و عقلانی-ارزشی را برمی‌گزیند.

نتایج مقاله

پس از آنکه آینده‌پژوهی در دهه ۱۹۴۰ میلادی قلمرو خود را از پیش‌گویی و غیب‌گویی مجزا ساخت و خود را به‌عنوان یک رشته علمی معرفی نمود، همواره با چالش‌های معرفت‌شناسی مواجه بود. اهمیت روزافزون مطالعات آینده و تأثیر آنها در تصمیمات کلان و بلندمدت از یک‌طرف و عدم وجود مبنایی وثیق برای گزاره‌ها و توصیه‌های آینده‌پژوهان از طرفی دیگر موجب شد که از دهه هشتاد میلادی تلاش‌های چشمگیری در راستای وضع یک مبنای معرفتی موثق برای مطالعات مربوط به آینده صورت گیرد. بی‌شک نظر وندل بل در آغاز هزاره جدید که با الهام گرفتن از ابطال‌گرایی پوپر، واقع‌گرایی انتقادی را به‌عنوان اساس معرفت‌شناسی مطالعات آینده‌پژوهی معرفی نمود در اعتباربخشی و مقبولیت این رشته در میان جوامع علمی و آکادمیک تأثیر بسزایی داشته است.

با این حال، بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر ایرادات وارد بر ابطال‌گرایی، که بل نظریه خود را و امدار آن می‌داند، نقدهای دیگری نیز بر این نظریه وارد است. «معرفت‌جانشین»، زمانی با قواعد منطق سازگار است که از یکسری گزاره موجه مقدماتی به گزاره‌ای موجه درباره آینده رسیده باشیم. اما خود این گزاره‌های مقدماتی از کجا موجه شده‌اند؟ اگر سازگاری با دیگر پیش‌بینی‌های احتمالاً درست، شرط موجه بودن معرفت‌جانشین است، خود این پیش‌بینی‌ها از کجا موجه شده‌اند؟ و اگر سازگاری با شواهد گذشته و حال را مبنای توجیه معرفت‌جانشین بدانیم، به‌نوعی گرفتار مسئله استقراء شده‌ایم. بنابراین واقع‌گرایی انتقادی در توجیه گزاره‌های مربوط به آینده با مشکلاتی روبرو است.

این تحقیق پس از برشمردن اشکالات اساسی وارد بر معرفت‌شناسی مدعی عقلانیت جهانشمول برای علم، براساس نظر کوهن، معیارهایی را برای عقلانیت درون‌پارادایمی مطالعات مربوط به آینده معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که براساس معیارهایی چون «حل مسئله نمودن»، «دقت در پیش‌بینی»، «توازن بین موضوعات»، «سادگی»، «گسترده‌گی» و «سازگاری» مطالعات

تقدیر بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۲۵

مربوط به آینده می‌توانند در عمل موفق باشند و خود را به عنوان شاخه‌ای از معرفت معرفی نمایند. در میان رویکردهای متعدد آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری راهبردی به دلیل داشتن صفت راهبردی، مفاهیمی چون «تمرکز»، «تمایز»، «رقابت و مزیت رقابتی» و «سبک و سنگین کردن» را در دل خود دارد که به مطابقت آن با معیارهای یادشده و توفیق آن در عمل کمک می‌کنند. عقلانیت تجربه‌گرا در آینده‌نگاری راهبردی با مبانی معرفتی علوم کلاسیک سازگار است و بخاطر احترام و تقدسی که این علوم طی قرن‌های اخیر دست و پا کرده‌اند، این سازگاری به مقبولیت هرچه بیشتر آینده‌نگاری راهبردی در جوامع دانشگاهی و صنعتی و دولت‌ها کمک خواهد نمود و جذب بودجه و توسعه مطالعات آینده را در پی خواهد داشت.

موفقیت دراز مدت و تمام و کمال مطالعات مربوط به آینده منوط به معیار اساسی دیگری نیز می‌باشد و آن توجه به ارزش‌های جامعه است. نگاه فرافعالانه به ساخت آینده بر پایه ارزش‌ها، از آسیب‌های سطحی‌نگری و موفقیت‌های زودگذر جلوگیری می‌کند. آینده‌نگاری راهبردی علاوه بر عملگرایی، مبتنی بر عقلانیت ارزشی است و با تلفیقی از عقلانیت تجربی و ارزش‌گرا می‌تواند ضمن توجه گزاره‌ها و توصیه‌های خود برای آینده، به موفقیت واقعی مطالعات آینده‌پژوهی و مقبولیت آن کمک نماید.

از این رو پیشنهاد می‌گردد نهادهای آموزشی به‌سوی توجه بیش‌تر به آینده‌نگاری راهبردی و پررنگ‌تر نمودن نقش آن در رشته‌های آینده‌پژوهی، مدیریت، خط‌مشی‌گذاری، علوم سیاسی و کلیه رشته‌های درگیر در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری گام بردارند و با بالابردن سطح استانداردهای حرفه‌ای، برای تشکیل و تثبیت جامعه علمی این رشته از معرفت‌گمارده شود. متولیان دولتی و فعالان عرصه صنعت نیز در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌سازی‌های بلندمدت خود، به‌ویژه در حوزه اقتصاد و کسب و کار، به آینده‌نگاری راهبردی توجه نموده و برون‌دادهای این فرآیند را مدنظر قرار دهند. همه اینها مستلزم توجه عقلانیت آینده‌نگاری

۱۲۶ دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶

راهبردی و پیش‌نگری‌ها و تجویزهای آن نزد متصدیان امور در عرصه‌های گوناگون است و این پژوهش تلاشی در این راستا بوده است.

تقدیر بر معرفت‌شناسی مطالعات مربوط به آینده..... ۱۲۷

کتابشناسی

- تریگ، راجر. (۱۳۹۴). *فهم علم اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر گل آذین.
- چالمرز، آلن. (۱۳۹۴). *چیستی علم*، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران: انتشارات سمت.
- غفاریان، وفا؛ کیانی، غلامرضا. (۱۳۹۲). *استراتژی اثر بخش*، تهران: نشر فرا.
- ناظمی، امیر؛ قدیری، روح‌الله. (۱۳۸۵). *آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا*، تهران: مرکز صنایع نوین
- Ackoff, R. (1981) *Creating the Corporate Future: Plan or be Planned*, New York: John Wiley.
- Bell, W. (2005) *Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era*, New Brunswick, NJ: Transaction Publishers.
- Bourgeois, P. (2001) *Technology foresight for strategic decision making*, Regional Conference on Technology Foresight for Central and Eastern Europe and the Newly Independent States, Vienna, Austria. 4-5 April.
- Calof, J. & Tanguay, D. & Spring, L. (2006) *Addressing Canada's Foresight Capacity: A Report to the National Science Advisor*, Science and Technology Foresight Directorate, Office of the National Science Advisor, Government of Canada, Ottawa, 15 September.
- Foren. (2001) *A practical guide to regional foresight*. Seville, Spain: IPTS. available at: <http://foresight.jrc.ec.europa.eu/documents/eur8en.pdf>.
- Gaspar, T. (2015) "Strategia Sapiens—strategic foresight in a new perspective", *Foresight*, 17(5), pp. 405-426, doi:10.1108/FS-03-2015-0017.
- Glenn, J.C. & Gordon, T.J. & Dator, J. (2001) "Closing the deal: how to make organizations act on futures research", *Foresight*, 3(3), pp. 177-189, doi:10.1108/14636680110803111.
- Godet, M. (1994) *from anticipation to action*, Paris: UNESCO publication.
- Godet, M & Durance, P. (2011) *Strategic foresight for corporate and regional development*, Paris: UNESCO publication.
- Hideg, E. (2002) "Implications of two new Paradigms for Futures Studies", *Futures*, 34(3), pp. 283-294, doi:10.1016/S0016-3287(01)00044-1.
- Ingvar, D.H. (1985) "Memory of the future: an essay on the temporal organization of conscious awareness", *Hum Neurobiol*, vol.4, pp.127-136, available at: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/3905726>.
- Kapoor, R. (2001) "Future as fantasy: forgetting the flaws", *Futures*, 33(2), pp.161-170, doi: 10.1016/S0016-3287(00)00061-6.
- Kuhn, T. (1970) *The structure of scientific revolutions*, Chicago: university of Chicago press.
- Kuosa, T. (2011) "Evolution of futures studies", *Futures*, vol. 43, pp. 327-

- 336, doi:10.1016/j.futures.2010.04.001.
- (2012) *The Evolution of Strategic Foresight: Navigating Public Policy Making*, Oxford shire: Rout ledge.
- Malaska, P. (2003) *Futures knowledge and penetration to the futures*, Helsinki: Vapk-Kustannus.
- Michael, D. N. (1985) "With both feet planted firmly in mid-air", *Futures*, vol. 17, pp. 94-103, doi:10.1016/0016-3287(85)90001-1.
- Mullin, J & Adam, R.M & Halliwell, J.E. & Milligan, L.P. (1999) *Science, technology and innovation*, Ottawa: International Development Research Centre (IDRC).
- Popper, K.R. (1969) *Conjectures & Refutations*, London: Rout ledge and Kegan Paul.
- Porter, M. E. (1980) *Competitive Advantage: Techniques for Analyzing Industrial and Competitors*, New York: Free Press.
- Pourezat, A. (2008) "Building the future: undertaking proactive strategy for national outlook", *Futures*, 40(10), pp. 887-892, doi: 10 . 1016 /j. futures. 2008.07.024.
- Rejeski, D. & Olson, R.L. (2006) "Has futurism failed?", *The Wilson Quarterly*, Wilson Institute, Washington D.C; Winter, pp.14-21.
- Riedy, C. (2009) "The influence of futures work on public policy and sustainability", *Foresight*, 11(5), pp. 40-56, doi: 10.1108 / 14636680910994950.
- Robbins, L. (1984) *An essay on the nature and significance of economic science*, London: Macmillan company.
- Sardar, Z. (2010) "The Namesake: Futures; futures studies; futurology; futuristic; foresight-What's in a name?", *Futures*, vol.42, pp.177-184, doi:10.1016/j.futures.2009.11.001.
- Shimizu, K. (2012) *The cores of strategic management*, Oxford shire: Rout ledge.
- Silva, M. (2015) "A systematic review of Foresight in Project Management literature", *Procedia Computer Science*, vol. 64, pp. 792-799, doi:10.1016/j.procs.2015.08.630.
- Slaughter, R. (1995) *The Foresight Principle: cultural recovery in the 21st century*, London: Adamantine Press.
- (2002) "Futures studies as a civilizational catalyst", *Futures*, vol.34, pp.349-363, doi:10.1016/S0016-3287(01)00049-0.
- Stevenson, T. (2001) "The futures of futures studies", *Futures*, 33(7), pp. 665-669, doi:10.1016/S0016-3287(01)00009-X.